

اسلام: زیبایی‌شناسی يك مذهب عرفانی

نیتین کومار

دبیر نشریه و سایت «هند شگفت انگیز»

ترجمه زهرا عبدالله

دانشجوی دکترای هنر اسلامی، دانشگاه شاهد

مقدمه

اسلام به عنوان روشی جامع برای زندگی، فراتر از یک دین رسمی است و بیشتر از هر مذهب دیگری بر زندگی عملی پیروان خود تأثیر می‌گذارد. مسلمان همواره خود را در محضر خدا می‌بیند و بین زندگی شخصی، مذهبی، سیاسی و عقیدتی خود مرزی قائل نیست. تأکیدی که اسلام بر برادری و وحدت مسلمانان برای اجرای اوامر الهی دارد، این دین را به قدرتمندترین دین جهان تبدیل نموده است.

نمادین بودن و بی‌زمانی دو ویژگی عمده هنر سنتی اسلامی است که سبب شده است پیام اصیل و معنوی اسلام بهتر از بسیاری از تفاسیر پیچیده کلامی انتقال یابد پیامی که از طریق یک اثر خوش‌نویسی قدیمی منتقل می‌گردد، بسیار گویاتر از کارهای به ظاهر فعالان مذهبی و یا روشنفکر نماهای اسلامی است. آرامش، ذکاوت، اسلوب و قداست هنر اسلامی بیش از هر عامل دیگری راهنمای درک فرهنگ اسلام است.

برخلاف ایده‌های مدرن، نه تنها اسلام هنر و زیبایی را تجملی نمی‌شمارد بلکه آن را امری قدسی می‌داند (یکی از نام‌های خداوند جمیل است و خداوند جمال را دوست دارد). هدف از زیبایی‌شناسی اسلامی توأم کردن زندگی مسلمان با زیبایی‌ها و آرامش است. این آرامش و شمع ممکن است از تماشای یک تابلوی خوش‌نویسی حاصل آید یا از نشستن روی یک قالی قدیمی و یا به‌واسطه خواندن نماز در یک بنای اسلامی. اینک با بررسی موارد زیر به ابعاد روحانی هنر اسلامی می‌پردازیم:

۱. معماری مساجد اسلامی

۲. خوش‌نویسی

۳. مبانی زیبایی‌شناسی و بنای یک جامعه اسلامی.

کلیدواژه‌ها: اسلام، زیبایی‌شناسی، مذهب عرفانی

معماری قدسی مساجد اسلامی

اوج معماری مقدس اسلامی «مسجد» است که تجسم هارمونی، نظم و آرامش طبیعت است. یک مسلمان از طریق نمازی که در چنین بنایی به جا می‌آورد، به واسطه ریتم و ساختار معماری مسجد گوئی به آغوش باشکوه و مطمئن طبیعت بازمی‌گردد.

مسجد محل سجود است و سجده یعنی قرار دادن برترین و بالاترین عضو نمازگزار بر زمین. این همه نمایشی است از اوج خضوع عابد در برابر معبود بدون حضور هیچ واسطه‌ای. این دیدگاه متعالی نسبت به انسان و مقام خلیفه‌اللهی او (نه مطرود درگاه الهی دانستن وی) از روح‌نوازترین مفاهیم این دین است. در هر حال، تمام نقش مسجد را نمی‌توان به فضای آن محدود کرد، بلکه ساختار بنای مسجد نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای بررسی این امر ابتدا به اختصار به جایگاه انسان در این دین توجه می‌کنیم. انسان، این اشرف مخلوقات، پیشانی بر خاک می‌نهد و به واسطه همین خضوع است که خاک و زمین مسجد تقدس خاک اولیه خلقت را با همان پاکی و دست‌نخوردگی تداعی می‌کند. اولین مسجد در اسلام خانه نبی اکرم بوده و این اولین مسجد رسمی در مدینه است که از نظر معماری مشابه و به تعبیری منشعب از خانه رسول خداست. گفته شده است که رسول خدا قبل از نماز بر فرش، ابتدا بر عرش نماز گزارده است و در سایه این حقیقت است که زمین و فرش آینه و انعکاس بهشت به‌شمار می‌آید و معنایی قدسی می‌یابد. فرش چه به رنگی ساده باشد و چه مملو از طرح‌ها و الگوهای اسلامی و هندسی، انعکاسی از بهشت است و زمانی که شخص روی آن می‌نشیند، گویی خلوص و پاکی معنوی خاک را تجربه می‌کند. فضای باز مسجد با هیبتی آرامش‌بخش محضر کلمه قدسی است که در آن طنین می‌اندازد. تقسیمات ریتم‌دار فضا که به واسطه قوس‌ها و ستون‌ها تداعی می‌گردد، تمثیلی از فراز و نشیب‌ها و ادوار مختلف زندگی انسان است. فضای



مدرسه شردور در ازبکستان

درک آن است. فضاهای ایجاد شده در این معماری مأمونی فراهم می‌نمایند که روح را تسکین می‌دهد. آرامش و هماهنگی آن نه تنها خدشه‌ای بر طبیعت وارد نمی‌آورد بلکه انعکاسی از باغ دلارایی که در باطن حس می‌گردد، تظاهر و پژواک بهشت موعود است.

ساختارهای مقدس اسلامی به زیبایی بر استحکام و ایستایی، که ویژگی ذاتی اشیاست، تکیه دارد.

به‌طور حتم، معماری اوج هنر نمایش فضای منظم است و معماری مقدس از طریق آرایش این فضا انسان را در محضر خدا قرار می‌دهد. الگوی این آرایش و جداسازی فضا در معماری اسلامی کعبه، قبله‌گاه مسلمین است که به عقیده ایشان مرکز زمین نیز هست. مسلمانان مانند چرخ عظیم با مرکزیت کعبه در اقصی نقاط کره خاکی پراکنده شده‌اند و محورهای این چرخ به مساجد ختم می‌گردند. این خطوط همگی به یک شهر (مکه) و در این شهر به یک نقطه (کعبه) منتهی می‌گردند. کعبه، این مکعب سنگی، به‌صورت قطری تنظیم شده است و گوشه‌های آن روی نقاط اصلی قطب‌نما قرار دارند. از دیدگاه متافیزیکی نیز کعبه مرکز کائنات و نماد خلقت اولیه است که در نقطه تقاطع محور عمودی روح و محور افقی موجود محسوس قرار دارد. در زمان حج، مسلمانان هفت دور گرداگرد آن می‌چرخند و اگر از دور و با پرسپکتیو مناسب به این طواف نگریسته شود، گویی گردایی عظیم در جریان است که گردش سیارات حول خورشید و یا چرخش زائران به دور مقبره قدیسان را به ذهن متبادر می‌کند.

معماری مقدس اسلامی تبلوری از روحانیت اسلام و همچنین کلیدی برای



حیاط مسجد جامع دهلی



کعبه، مرکز جغرافیای اسلام



گنبد مدرسه امام در اصفهان، ایران

کلمه الله و نماد عظمت الهی است. دومین حرف «ب»، با ظاهر افقی خود نماد انفعال و پذیرندگی مواد بوده و در تکمیل بُعد هیبت و جلال «ا»، تشبیهی از زیبایی الهی است. محل تقاطع الف و ب در «با» نقطه یکتا، مبدأ و مرجع همه چیز است. مجموعه آموزه‌ها و عقاید نهفته در سرشت خوش‌نویسی به همراه زیبایی ظاهری آن، کلید درک موقعیت یکتای آن در سلسله مراتب هنر اسلامی و روحانیت در اسلام است. قرن‌هاست که مسلمانان از خوش‌نویسی برای جلای روح بهره می‌برند. در عربی، جهت نگارش بر خلاف دیگر زبان‌ها از راست به چپ است و در این مسیر، گویی خوش‌نویس از اطراف و اکناف به سمت قلب (که در قسمت چپ بدن است) حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، با تمرکز بر نگارش فرم‌های زیبا، شخص اجزاء پراکنده روح خود را وحدت می‌بخشد. روح و قلب مسلمان به‌طور پیوسته و از طریق آیات خوش‌نویسی شده بر صفحات قرآن یا دیوار مساجد یا دیگر بناها، فرش‌ها و پرده‌ها و یا حتی اشیاء روزمره، از لباس گرفته تا ظروف غذاخوری، متذکر عظمت، هماهنگی و ریتم زندگی معنوی می‌شود.

مبانی زیبایی‌شناسی و بنای یک جامعه اسلامی

اسلام قبل از هر چیز دین وحدت در تمامی سطوح اجتماعی، سیاسی و غیره است. از نظر اجتماعی، «جامعه اسلامی» و از نظر سیاسی «امت محمد» برای اولین بار در تاریخ، تحولی بنیادی

نماد زبان و «ن» نماد دهان است. خوش‌نویسی اسلامی به‌واسطه حرکت‌ها و فراز و نشیب‌های پیوسته‌اش تمثیلی از خلقت است. حرکت افقی خطوط - که مانند پیچش نخ در بافندگی است - تغییر را تداعی می‌کند؛ در حالی که حرکت عمودی، ثابت عالم قدسی را به ذهن می‌آورد. از نگاهی دیگر، حرکت عمودی نماد وحدت وجود و حرکت افقی نماد کثرت وجود است.

عنصر مهم دیگر در خوش‌نویسی «درخت» است. درخت ظهور دانه‌ای است که از خاک و آب تغذیه می‌کند تا یکی از زیباترین جلوه‌های عالم گردد؛ به‌ویژه زمانی که به زیور گل و برگ و شاخه و میوه آراسته باشد. انسان بسیار شبیه درخت است و مانند دانه در زمین قرار گرفته است؛ با این تفاوت که باید با سعی و همت خود به کمال برسد. البته تقدیر منابع بی‌شماری را برای بهره‌برداری در دسترس او قرار داده است. بر همین اساس، هنر اسلامی خوش‌نویسی را به نحوی چشم‌نواز با فرم‌های متنوع درخت و طرح‌های اسلیمی ترکیب نموده است و نمونه‌های بدیعی از این هم‌نشینی را در آثار اسلامی می‌توان یافت.

علاوه بر طرح‌های اسلیمی، الگوهای هندسی نیز در آثار خوش‌نویسی اسلامی به وفور یافت می‌شود. درحالی‌که خوش‌نویسی مستقیماً برگرفته از قرآن و نماد عالم بالاست، عناصر هندسی ساختاری زمینی دارند. در همین راستا طرح‌های اسلیمی با مضمون رشد و زندگی، تجلی جنبه مادی خلقت‌اند. به عبارت دیگر، خوش‌نویسی ریشه و تنه اصلی درخت است و عناصر هندسی و اسلیمی (عناصر مردانه و زنانه) مظهر همه دوگانگی‌های دیگرند که در نهایت مجدداً به وسیله تنه به گونه‌ای استوار به هم متصل می‌گردند. در تفسیر متافیزیکی، هر حرف شخصیت مستقل و خاصی دارد که در نهایت متصل به خدای تعالی است. برای مثال، «الف» اولین حرف

هنر خوش‌نویسی اسلامی

خوش‌نویسی جواهری است که به دست خوش‌نویس با طلای ناب هنر ترصیع شده است.

ابوحیان التوحیدی

خوش‌نویسی بیان بصری کلام قدسی است. حضرت علی (ع) اولین خوش‌نویس اسلام است و البته از آنجا که کتاب قرآن به پیامبر عرضه شده، خداوند خود اولین نگارنده آن می‌باشد. مطابق نظر احمد قادی، خوش‌نویس و نقاش قرن ۱۶، «خلقت خود خوش‌نویسی الهی است که بر صفحات گذر زمان و با خطوط سیاه شب بر صفحه سفید روز رقم خورده است.» سوره قلم در قرآن با حرف «ن» آغاز می‌شود و «ن» در عربی نماد جوهردان است. عقیده بر این است که خداوند ابتدا قلم و سپس جوهردان یا «ن» را خلق کرد و بدین‌سان، اولین سوره «قلم» و اولین آیه «ن» است. مطابق متون اسلامی دیگر، قلم



گلدان سرامیکی با خوش‌نویسی اسلامی



افغانستان، سال ۱۹۸۱ میلادی

امکان‌پذیر نیست. برای مثال، گنبدی را بر فراز بام یک مجموعه بنا در نظر بگیرید. اگر چه اغلب این گنبد از دور قابل مشاهده است ولی هر چه نزدیک‌تر می‌شویم، در پس پشت بام‌های اطراف بیشتر و بیشتر از نظرها غایب می‌گردد. یک گنبد ممکن است از آن یک مسجد، یک قصر، یک مدرسه و یا یک مقبره باشد. از سویی ممکن است قسمت اصلی ساختمان اطرافش باشد و از سوی دیگر می‌تواند جزء کوچکی از ساختار پنهانوری که آن را احاطه کرده است، باشد. حتی امکان دارد یکی از چندین گنبدهای پنهانی یا نیمه‌پنهانی باشد که بناهای کناری یا دیوارها آن را از نظرها مخفی کرده‌اند. در حقیقت، گنبد معرف منظوری واحد از برپا کردن آن بنا نیست بلکه به‌طور نمادین نشانه قدرت و نقطه تمرکز یک مجتمع است.

در تمامی ادوار و مناطق دنیای اسلام چنین ساختارهای پوشیده‌ای یافت می‌شوند که عبارت‌اند از سازه‌ای که واقعیت آن تا زمانی که شخص وارد آن نشده و فضای داخل آن را تجربه نکرده است، بر بیننده پدیدار نمی‌گردد. این همان‌سازی (بناهای مشابه با کاربردهای متفاوت) می‌تواند نقش بسزایی در پیشبرد اهداف یک جامعه داشته باشد. برپایی ساختمان‌های مذهبی، حکومتی، آموزشی، تدفینی و آرامگاهی و غیره با نماهای مشابه، و به‌طور کلی ساخت غیرقابل تمیز بناهای

را به تمامی زوایا و دقایق زندگی فرد تزریق می‌کند، به نحوی که ارزش‌های فکری فرد مسلمان تحت لوای افتخارات یک فرهنگ و تمدن عظیم و درخشان دستخوش تحولی شایسته می‌شود و اسلامی زیستن را برای وی به ارمان می‌آورد. در ادامه، برخی رویکردهای زیبایی‌شناختی اسلامی که قوام بخش وحدت اجتماعی است مطرح می‌شود.

۱. معماری پنهان اسلامی و اصل کلی‌نگری

یکی از قواعد معماری بناهای اسلامی، توجه و تمرکز روی فضاهای بسته داخل بنا در مقایسه با روبنا و ساختار ورودی ساختمان است. این عدم توجه به ظاهر خارجی بنا، گاه به آنجا می‌رسد که حتی یک مجموعه (مسجد، کاروان‌سرا، مدرسه) کاملاً با ساختمان‌های جانبی (مثلاً بازار) پوشیده می‌شود. این مخفی‌نمایی به عدم پردازش رونمای بنا از نظر شکل، اندازه، عملکرد یا معنای سازه منجر می‌گردد؛ به‌طوری که حتی اگر ساختمانی ورودی یا نمای خارجی نیز داشته باشد، اطلاعات بسیار کمی در مورد ساختمانی که پشت آن قرار گرفته است به بیننده منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، ورودی‌ها در بناهای اسلامی به‌ندرت ما را به ساختار داخلی یا هدف از برپایی بنا رهنمون می‌گردند و درک بنا از ظاهر خارجی آن

در ارتباطات به دنبال آورد که طبق آن ملاک برتری تقواست و نه نژاد. هنر اسلامی فراتر از نمایش گنبد و مناره، دست‌نوشته‌های نگارگری شده و فرش‌های کم‌نظیر است. این هنر بیانی گران‌سنگ و پرازش است که طی چند صد سال کشورهای پراکنده‌ای را در جهان، از اسپانیا گرفته تا آسیای مرکزی، جاوه و صحرای آفریقا به یکدیگر پیوند داده است. هنر اسلامی گویای عقاید مذهبی، ساختار اقتصادی و اجتماعی، موضوعات سیاسی و حساسیت‌های بصری جامعه سنتی و یکپارچه اسلام است. به‌رغم تنوعی که از قرن تا قرن دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر در هنر اسلامی پدید آمده، قدرت و عظمت اسلام در پرتو زیبایی‌شناسی واحد به خوبی متجلی است.

چه در حیات وسیع یک مسجد در دهلی‌نو و چه در مسجدی کوچک در قراوین شهر فز، به‌رغم وجود تفاوت در تکنیک‌ها و مواد ساختمانی محلی، شخص خود را در فضایی روحانی حس می‌کند. خلق هنری با این ویژگی‌ها، ابتکارات بی‌بدیل و یکپارچگی بدیع، که تمامی عوامل فرهنگی، جغرافیایی و یا شرایط زمانی را تحت‌الشعاع قرار داده است، متضمن وجود علتی ماورائی است و این هماهنگی وسیع را نمی‌توان حاصل‌شانس و یا عامل تصادف تاریخی دانست.

«اتحاد» پیوندی ظریف ولی ماندگار است که زمانی برقرار می‌شود که نقاط مشترکی بین افراد ظهور نماید. برای مثال، والدینی که فرزندان خود را به یک مدرسه می‌فرستند و یا معلمانی که در یک مؤسسه تدریس می‌کنند، مسائل مشترکی دارند و در همین راستا بین خود نوعی هم‌بستگی می‌یابند. تجربه واحد، پیشینه نژادی، اهداف اجتماعی، مجاورت مکانی، و ایمان مذهبی مشترک از علل مشهود این پیوندها هستند. در اسلام چنین وحدتی بر مبنای دورنماهای روحی و آمال معنوی مشترک، هدف‌نهایی زیبایی‌شناسی اسلامی است. هنر اسلامی با یادآوری هویت مذهبی، روح و معنای اسلام

ساختمان‌ها و اشیاء از نظر اصول تزئینی مبانی مشابهی دارند.

بناها و اشیاء در کیفیت اجرا و مدل متفاوت اما در ایده، فرم و طرح مشترک و تکراری‌اند. این الگوها به خوبی توانایی هنرمندان اسلامی را در اجرای مفاهیم بصری تکراری، متقارن و پیوسته نشان می‌دهند. بنابراین، به نظر می‌رسد اشیاء و تزئیناتشان تأثیری لحظه‌ای دارند؛ زیرا جزئی از یک طرح قابل تعمیم، فراتر از فرمی که آن را تزئین می‌کنند، هستند و بیانی جامع‌تر از دنیای واقعیت‌اند. اگر این تزئینات روی یک محیط، مانند دیوار یک ساختمان، قرار گرفته باشد از نوع الگوهای تکرارشونده است که از لحاظ بصری بیننده را به آن‌سوی محدوده دیوار هدایت می‌کند و به‌طور نمادین، تجسم پایان‌ناپذیری و واقعیت بی‌کمران ماورائی در پس پرده محدوده محسوسات است. این نکته حائز اهمیت است که این الگوهای قابل تعمیم به بی‌نهایت، خود حاوی اجزائی تکرار شونده‌اند. در تفسیر اسلامی، این الگوها نمود بصری وحدانیت خداوندند که در همه جا حضور دارد و تجسم عینی «وحدت در کثرت» و «کثرت در وحدت»‌اند.

عناصر تزئینی اسلامی اغلب شامل خوش‌نویسی، هندسه، طرح‌های اسلیمی و یا مجموعه‌ای از این عناصر است که منجر به خلق آثار عظیم گشته



مسجد امام اصفهان، ایران

۲. مفهوم وحدت و هنرهای تزئینی

تزئینات از مبانی کلیدی در تشریح هنر اسلامی است و طی ۱۳ قرن به‌عنوان یکی از عوامل پیوند ساختمان‌ها و اشیاء در پهنه جغرافیایی دنیای اسلام به‌کار هنرمندان آمده است. هرگز یک نوع تزئین خاص فقط برای یک نوع ساختمان یا شیء وجود نداشته است و در عوض، مبانی تزئینی وجود داشته‌اند که برای همه انواع اشیاء یا ابنیه در همه زمان‌ها به‌کار گرفته شده‌اند (بدین ترتیب ارتباط تنگاتنگی بین هنرهای کاربردی و معماری به‌وجود آمده است). هنر اسلامی را باید از دیدگاهی وسیع و همه‌جانبه نگریست؛ زیرا همه

مذهبی از غیرمذهبی، ترفندی است که زیبایی‌شناسی به‌منظور ایجاد یگانگی بین این دو مقوله به‌کار گرفته است. بدین ترتیب، هدف غایی زیبایی‌شناسی اسلامی ایجاد وحدت در کثرت و خلق کلیتی متحد است. در شهرهای سنتی اسلامی مسجد نه‌تنها مرکز انجام فرایض دینی، بلکه محل انجام کلیه فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی و تاحدودی اقتصادی نیز بوده و بدین ترتیب، با بازار (مرکز زندگی اقتصادی)، دربار (جایگاه قدرت سیاسی)، مدرسه (محل آموزش و پرورش) ارتباطی ارگانیک داشته است. خانه‌های شخصی در نزدیکی مسجد بوده‌اند و همان‌طور که کارهای روزمره، تفریح، نماز و مراقبت از خانواده به‌طور تنگاتنگ و متداخل در جریان بوده، ساختمان‌ها و عمارات مرتبط با این فعالیت‌ها نیز درهم ادغام می‌شده‌اند. حتی در داخل خانه‌ها اغلب اتاقی برای مقاصد متعددی چون صرف غذا، نماز، خواب و پذیرایی در نظر گرفته می‌شد. از سوی دیگر، معاملات در مساجد، نماز در مغازه‌ها و تدریس علوم، هم در مسجد و هم در خانه صورت می‌پذیرفته است. در شهرهای سنتی، این تداخل امور و وحدت ضمنی به‌طور مستقیم در معماری منعکس گشته است. در مرکز شهر، مسجد یا مقبره یک قدیس قرار دارد و جامعه اسلامی در اطراف آن به‌صورت ارگانیک پراکنده شده است. همین‌طور به نظر می‌رسد که شهر به‌وسیله یک سقف واحد، که از مرکز مقدس شهر گسترش یافته، پوشیده شده است. در نگاهی عمیق‌تر، معماری مقدس اسلامی بر شهر پرتو افکنده و شکل‌گیری ساختار شهر را به ارمان آورده است. به تعبیری دیگر، همان‌طور که سقف مسجد به سقف منازل و بناهای اطراف بسط داده شده است، قلب شهر در مرکز مقدس آن می‌تپد. کل فضای شهر با آواز روحانی که از مناره‌های مسجد برای دعوت به نماز برمی‌خیزد، به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است و نبض ساختار یک جامعه ریشه‌دار اسلامی در مسجدش می‌تپد.



مقبره حافظ، شیراز، ایران

است. نمونه جالب این هم‌نشینی، مسجد جمعه در هرات افغانستان است که سرشار از الگوهای تکرارشونده است و دیوارها و کف‌ها با آویزها و فرش‌های زیبا تزئین گردیده‌اند. در این مسجد، هر سطح منطق خاص خود را دارد ولی منطقی کلی همه اجزاء را به یکدیگر مرتبط می‌کند.

در مقیاس وسیع، مبانی و منطق مذکور در زمینه‌های مختلف سرامیک‌کاری، کاشی‌کاری، چوب‌تراشی، فلزکاری و کتاب‌آرایی به کار گرفته شده است. در تصاویر بدون حضور شکل انسانی، اینکه موضوع نقاشی کوچک یا بزرگ بوده است، مشخص نیست و این امکان تغییر در اندازه و قابلیت جایگزینی طرح‌ها بستر مناسبی برای قبض و بسط الگو به منظور پوشاندن سطوح با اندازه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. این همه در هنر، بیانگر حضور فراگیر و محسوس واحد متعال است.

تزئینات کف‌پوش‌ها گاه یادآور نقش و نگار فرش‌ها هستند. برای مثال، در مقبره اعتمادالدوله در اقرا، کف مرمرین الگوی فرش‌های مغولی را به ذهن متبادر می‌سازد. از سوی دیگر، فرش نماد دو بعدی مسجد در مقیاس کوچک است که گردش دورتادوری نقوش آن، نمود مکه است. فرش و مسجد هر دو محل سجده‌اند و این نگرش ترکیبی به تمامی شیون هنر اسلامی قابل‌تعمیم است.

در حیطه عملی از طریق نگرستن به تصاویر کوچک، موازی و قابل تفکیک، تمایل به هم‌بستگی اجتماعی همچون حسی مطمئن - که آرام‌آرام قلب بیننده را تسخیر می‌کند - در وجود وی ریشه می‌دواند و البته این مقدمه‌ای برای طی طریقی روحانی و مقدس‌تر است. موتیف‌های تزئینی اسلامی همگی دارای هماهنگی‌ای صفابخش‌اند. تماس مستمر با این تصاویر، آرامش را برای یک مسلمان به ارمغان می‌آورد.

از نظریه پردازانی که مخالف هر گونه تفسیر نمادین از هنر اسلامی هستند گرفته تا نظریه‌پردازانی که در هر چرخش و تغییر رنگی معنایی نمادین



مسجد جمعه، هرات، افغانستان

می‌یابند، همگی متفق‌القول‌اند که در زیبایی‌شناسی هنر اسلامی «توحید» از مبانی بنیادین است. توحید در عبارت «لا اله الا الله» به زیبایی متبلور می‌شود. همچنین قرآن ما را متوجه طبیعت و قوانین آن، تجمع ابرها، باران، رشد گیاهان، حیوانات، و زندگی بشری، حرکت ستارگان، ظهور و افول اقوام، تغییر فصول، زندگی، مرگ، وقایع تاریخی و عجایب اسطوره‌ای کرده است. در تمامی این ساحات، یک اصل کلی حاکم است و با وجود تمام تفاوت‌ها یک هدف دنبال می‌شود که همان سرچشمه و مبدأ کائنات است و تحت لوای حاکمیت آن، موجودات متکثر وحدت می‌یابند. در سایه وحدت در کثرت، گل‌ها، درختان و پرندگان متحد‌المبدأ و متحد‌المقصدند و همه دوایر در هر اندازه‌ای که باشند مرکزی واحد دارند.

در بحث از وحدت و یکپارچگی در هنر اسلامی، نه تنها سخن از وحدت اجزا و مهم‌تر از آن وحدت خالق در میان است، بلکه وحدت زندگی افراد و اجتماع نیز مدنظر است. بی‌اعتقادی به وجود تمایز بین مقدس و غیرمقدس، تعمیم مذهب به تمامی ارکان زندگی و پیوند خود زندگی به ریت‌های سنتی و الگوهای دینی، حاکی از این واقعیت است که اسلام جهان را آینه‌ای در برابر روی واحد متعال می‌داند و این مفهوم بیش از هر حیطه دیگری ساحت هنر و

ایده‌آل‌های زیبایی‌شناسی را تحت تأثیر قرار داده است.

نتیجه

هنر اسلامی ابزاری برای تزئین روح اسلام به تمامی زوایا و لحظات زندگی بشری است. هنر با ارزش‌ترین محل جلوه و بروز ایده‌آل‌های زندگی اسلامی است. اسلام در طول تاریخ خود و در عمق جلوه‌گری‌هایش، از معماری گرفته تا طراحی لباس، بر زیبایی و فاصله‌نگرفتن تأکید ورزیده است. آیا کسانی که امروزه از طرف اسلام سخن می‌گویند اثری زیبا خلق نموده‌اند؟ آیا از ایستایی، آرامش، هماهنگی و توازن که از مشخصه‌های دین اسلام و همچنین از بارزترین جلوه‌های فرهنگی، هنری این مذهب است، در آثار این مدعیان ردپایی دیده می‌شود؟ هنر مطمئن‌ترین معیار برای سنجش حقیقت ادعای این افراد است. هیچ امر حقیقتاً اسلامی را نمی‌توان یافت که خالی از معنایی درونی باشد. این معانی، که در این مقاله بدان‌ها پرداختیم، از معنویاتی سرچشمه گرفته‌اند که در گذر زمان بارها و بارها در قلّه هنر اسلامی فرصت درخشش یافته‌اند و در عرصه‌های متعدد، از سفالگری و معماری گرفته تا نگارگری و خوش‌نویسی، به منصفه ظهور رسیده‌اند.

پی‌نوشت

1. Qarawiyyin in Fez
2. Agra

منابع

1. Bakhtiar, Laleh. Sufi (Expressions of the Mystic Quest): London, 1997
2. Blair, Sheila, and Jonathan Bloom. Islamic Arts: London, 1997
3. Hanifi, Manzoor Ahmed. A Survey of Muslim Institutions and Culture: Delhi, 1988
4. Hughes, Thomas Patrick. Dictionary of Islam: New Delhi, 1999
5. Khan, Maulana Wahiduddin. The Garden of Paradise: New Delhi, 1998
6. Masud Khaidar, and Andrei Sakharov. Afghanistan Today, Kabul, 1981
7. Michell, George. Architecture of the Islamic World: London 1995
8. Nasr, Seyyed Hossein. Islamic Art and Spirituality: Oxford, 1990
9. Renard, John. Seven Doors to Islam: New Delhi, 1998
10. Williams, John Alden (ed.) Islam: London, 1961